دوفصلنامه الاهیات قرآنی
(با رویکرد کلامی)
سال هشتم/ شماره۸/ پیاپی۱۵/ پاییز و زمستان ۱۳۹۹
صفحات ۲۳ تا ۵۰

«کیفیّت استدلال و استشهاد ملامحمدکاظم هزارجریبی بر گزاره‌های دینی و چگونگی پاسخ به شبهات»

علی قنبریان[۱]
عباس بخشنده بالی[۲]

چکیده

شناخت تلاش های اندیشمندان در رشته های مختلف، نقش بسزایی در رشد، شکوفایی و کشف مسائل نو در آن علوم ایفا می کند. یکی از اندیشمندان مسلمان که تاثیرات مهمی در عصرش ایفا نمود، ملامحمدکاظم هزارجریبی استرآبادی است. وی از فعال‌ترین دانشمندان در عرصهٔ تألیف و نگارش در موضوعات متنوع دینی به ویژه در علوم اعتقادی در اواخر دورهٔ زند و اوایل قاجار است. این تحقیق با استفاده از منابع کتابخانه ای و مراجعه به نسخ خطی متعدد با روش توصیفی-تحلیلی به کیفیّت استدلال و استشهاد مرحوم هزارجریبی بر گزاره‌های دینی و چگونگی پاسخ به شبهات خواهد پرداخت. یافته های تحقیق عبارتند از اینکه ایشان تلاش می نمود در فعالیت های علمی خود با توجه به وابستگی، عشق و ارادت به ائمهٔ معصومین(علیهم السلام) به مطالعات پُردامنه و عمیق در گزاره های دینی پرداخته و نیز تلاش می نمود با نگارشی روان، به هجمه‌های مخالفان پاسخ دهد. روش هایی که وی در استدلال، استشهاد و دفاع از گزاره های دینی انجام می داد که مهم ترین آنها عبارتند از: استناد به برخی روایات مرتبط، استناد به ادعیه و زیارات، استناد به آراء مجتهدان، اعتماد بر نقل‌های تاریخی و مسموعات. نقدهایی به شیوه استدلال‌ورزی هزارجریبی وارد است؛ همچون تأویل نکردن عبارات عرفا و شعرا و جمود بر ظاهر سخنان آنان، استفاده نکردن از قیاس شعری در قانع کردن خوانندگان، استفاده از شیوه غیرعلمیِ دشنام و ناسزاگویی نسبت به مخالفان.

واژه‌های کلیدی: محمدکاظم هزارجریبی، استدلال، شبهات دینی، نسخه خطی، برهان.

---

۱. دکتری مدرسی مبانی نظری اسلام و خارج حوزه علمیه قم، نویسنده مسئول.
Email: Ali.Ghanbarian@alumni.ut.ac.ir
۲. استادیار فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه مازندران.
Email: a.bakhshandehbali@umz.ac.ir

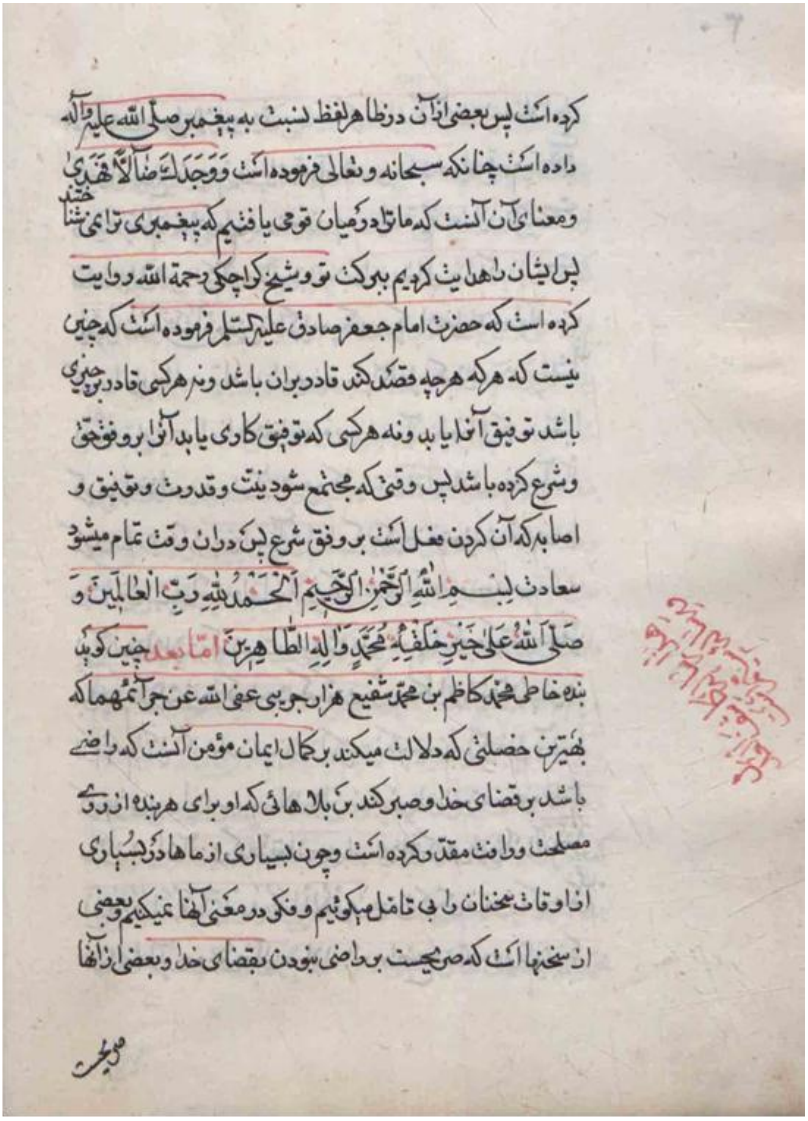

کرده است پس بعضی از آن در ظاهر لفظ نسبت به پیغمبر صلی الله علیه و آله
داده است چنانکه سبحانه و تعالی فرموده است وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ
و معنای آن آنست که ما ترا در میان قومی یافتیم که پیغمبری ترا نمی شناختند
پس ایشان را هدایت کردیم ببرکت تو و شیخ کراجکی رحمة الله روایت
کرده است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده است که چنین
نیست که هر که هر چه قصد کند قادر بران باشد و نه هر کسی قادر بر چیزی
باشد توفیق آنرا یابد و نه هر کسی که توفیق کاری یابد آنرا بر وفق حق
و شرع کرده باشد پس وقتی که مجتمع شود نیت و قدرت و توفیق و
اصابه که آن کردن فعل است بر وفق شرع پس در آن وقت تمام میشود
سعادت بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ
صَلَّى اللَّهُ عَلَىٰ خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ اما بعد چنین گوید
بنده خاطی محمد کاظم بن محمد شفیع هزار جریبی عفی الله عن جرائمهما که
بهترین خصلتی که دلالت میکند بر کمال ایمان مؤمن آنست که راضی
باشد بر قضای خدا و صبر کند بر بلاهائی که او برای هر بنده از روی
مصلحت و رأفت مقدر کرده است و چون بسیاری از ماها در بسیاری
از اوقات سخنان را بی تامل میگوئیم و فکر در معنی آنها نمیکنیم و بعضی
از سخنها است که صریحست بر راضی نبودن بقضای خدا و بعضی از آنها

صریحست

صفحه اوّل نسخه خطّی «کاشف‌العدل» کتابخانه مجلس شورای اسلامی

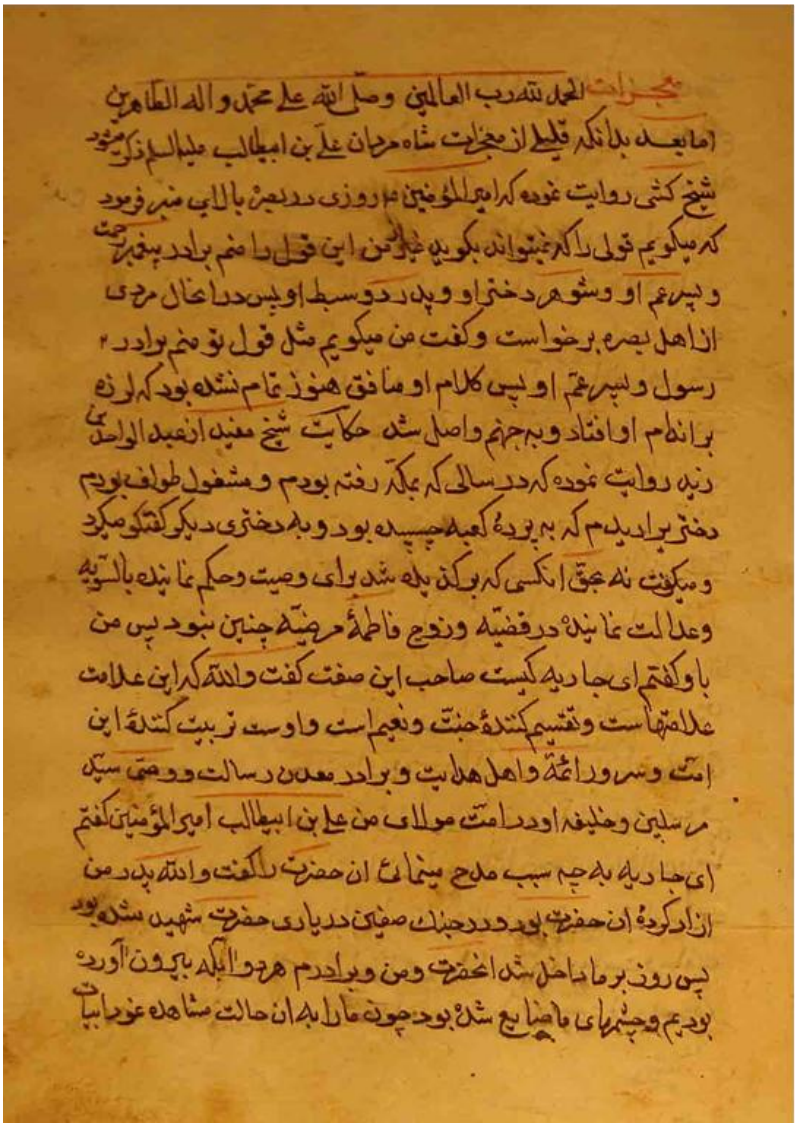

معجزات الحمد لله رب العالمین وصلی الله علی محمد و آله الطاهرین
اما بعد بدانکه قلیلی از معجزات شاه مردان علی بن ابیطالب علیه السلام ذکر میشود
شیخ کشی روایت نموده که امیرالمؤمنین ع روزی در بصره بالای منبر فرمود
که میگویم قولی را که نمیتواند بگوید غیر من این قول را منم برادر پیغمبر ص
و پسر عم او و شوهر دختر او و پدر دو سبط او پس در اثنای مردی
از اهل بصره برخواست و گفت من میگویم مثل قول تو منم برادر
رسول و پسر عم او پس کلام او مانع تمام نشده بود که لرزه
بر اندام او افتاد و به جهنم واصل شد حکایت شیخ مفید از عبد الواحد بن
زید روایت نموده که در سالی که بمکه رفته بودم و مشغول طواف بودم
دختری را دیدم که به پردهٔ کعبه چسپیده بود و به دختری دیگر گفتگو میکرد
و میگفت نه بحق آنکسی که برگزیده شد برای وصیت و حکم نماینده بالسویه
و عدالت نماینده در قضیه و زوج فاطمهٔ مرضیه چنین نبود پس من
باو گفتم ای جاریه کیست صاحب این صفت گفت والله که این علامت
علامتهاست و تقسیم کنندهٔ جنت و نعیم است و اوست تربیت کنندهٔ این
امت و سرور ائمهٔ و اهل هدایت و برادر معدن رسالت و وصی سید
مرسلین و خلیفه او در امت مولای من علی بن ابیطالب امیرالمؤمنین گفتم
ای جاریه به چه سبب مدح مینمائی آن حضرت را گفت والله پدر من
از ارادتمندان آن حضرت بود و در جنگ صفین در یاری حضرت شهید شده بود
پس روز بر ما داخل شد آنحضرت و من و برادرم هر دو آنکه بیرون آورده
بودیم و چشمهای ما ضایع شده بود چون ما را به آن حالت مشاهده نمود ابیات

صفحه اوّل نسخه خطّی «معجزات»

کتابخانهٔ فیضیه، ش: ۱۲۳۹/۵

یک. مقدمه

از ملامحمدکاظم هزارجریبی می‌توان با عناوین متکلم، محدث، مفسر و استاد اخلاق نام برد. در این بین، وجهۀ کلامی ایشان غلبه دارد و در علم کلام نیز وجهۀ نقلی ایشان بر وجهۀ عقلی می‌چربد. وی برای تأثیرگذاری بر تودۀ مردم که غالباً اجنبی و غریب نسبت به دلیل و برهان هستند و به همان اندازه از قوت تخیل بالایی برخوردارند، از روش های مناسبی استفاده می‌کند تا تدین و روبه‌سوی‌خداآوردن در آن‌ها تقویت شود. وی در فهرستی که به سالِ ۱۲۳۵ق برای آثار خود نوشته است تصریح کرده که مدّت سی سال عمرِ خود را در تتبّع اخبار اهل‌بیت اطهارـ علیهم صلواتُ المَلِکِ الغفّارـ و جمع و تألیف و ترجمۀ آنها صرف نموده است (هزارجریبی، فهرست کتب، قم، کتابخانۀ طبسی (امام رضا ع)، شمارۀ بازیابی: ۶۰۰/۱۵). وجهِ غالب بر آثارِ هزارجریبی، منقولات است لیک شاید نه به آن اندازه که از تعبیر مرحوم شیخ آقا بزرگ مستَفاد می‌گردد که آثارِ او را «خالٍ عن التَّحقیق، مقصورٌ عَلَی النَّقل» خوانده است.

در اینجا یک سؤال مهم به ذهن خطور می کند که روش مرحوم هزارجریبی در کیفیّت استدلال و استشهاد بر گزاره‌های دینی و چگونگی پاسخ‌گویی به شبهات چه می باشد؟ با توجه به بررسی های عمیق در آثار ایشان و دیگر اندیشمندان، به نظر می رسد آن مرحوم با تسلط بر روش های مختلف استدلالی از عقل و نقل و درک عمیق دینی توانست با استفاده از براهین مختلف به دفاع از باورهای دینی پرداخته و شبهات احتمالی و وارده را حل و نقض نماید.

با توجه به اینکه مرحوم هزارجریبی جزء اندیشمندان ناشناخته می باشد، درباره اندیشه های ایشان نوشتار محدودی وجود دارد که می توان به چند کتاب درباره تصحیح آثار و معرفی نامه اشاره نمود که متعلق به نویسنده مقاله می باشد. در غیر این موارد، اثری دیگر در پیشینه این مسئله وجود ندارد. بنابراین، مسئله حاضر از نوآوری برخوردار بوده و قابل استفاده برای محققان علاقه مند در موضوعات مرتبط می باشد.

برای اثبات فرض ادعایی، نخست به ویژگی های کلی استدلال بر گزاره های دینی مرحوم هزارجریبی و پاسخ به شبهات و هجمه ها متمرکز شده و سپس، روش استدلالی و چگونگی پاسخ گویی وی مورد واکاوی قرار گرفته و گاهی به نقدهایی درباره برخی رویکردهای ایشان توجه می شود. با توجه به این که مطالب متنوع و عمیقی از آثار خطی مرحوم هزارجریبی از مراکز مختلف جمع آوری و طبقه بندی شده، طبق راهنمای نوسندگان مجله نمی توان به همه موارد در عناوین ذیل اشاره نمود. به همین دلیل، مهم ترین موارد جهت نمونه در دو بخش ویژگی ها و روش شناسی تبیین می گردد.

دو. شخصیت‌شناسی محمدکاظم هزارجریبی

محمدکاظم‌بن‌محمدشفیع هزارجریبی (متوفای سال ۱۲۳۷ یا ۱۲۳۸ قمری) از دانشمندانِ کثیرالآثارِ شیعی در دورهٔ زندیه و قاجار است. وی در نیمه دوم قرن دوازدهم (بعد از سال ۱۱۵۰ قمری) در هزارجریب مازندران یا استرآباد دیده به جهان گشود. (هزارجریبی، ۱۳۹۷ج: ۱۰)

مکتوبات وی در قالب تألیف، ترجمه، و گردآوری و تدوین است. در حوزه‌های مختلفی همچون: قرآن و تفسیر، حدیث، کلام، و تاریخ قلم‌فرسایی کرده است اما بیشتر آثار وی در جمع‌آوری و شرح و تفسیر احادیثِ از معصومین (ع) است. وی عنایت ویژه‌ای به مبحث امامت داشته است. با فلسفه و عرفان مخالف است و علاوهٔ بر بحث و گفت‌وگوی شفاهی و ایراد سخنرانی در محافل، نقد این دو مسلک را در برخی از کتاب‌های خویش مطرح کرده است. آقای جویا جهان‌بخش بحث مفصلی را دربارهٔ مخالفت هزارجریبی با فلسفه و عرفان، در مقالهٔ «ملا محمدکاظم هزارجریبی و دو رسالهٔ غلوستیزانه‌اش» ذکر کرده است. (جهان‌بخش، ۱۳۹۱: ۵۱ـ۱۱۰)

تألیفات هزارجریبی به هر دو زبان فارسی و عربی می‌باشد ولی چنانچه از دو فهرست ایشان که نسخه‌های خطّی آن در کتابخانهٔ طبسی (امام رضا ع) در شهر قم است به نظر می‌رسد، اکثر تألیفاتش به زبان فارسی است و چنانچه خود گوید: «رسائل فارسی، زیاده بر سی عدد است.» (صفری، ۱۳۹۳: ۹۰۷-۹۱۹)

برخی از آثار وی عبارت‌اند از: احتجاجیّه، آداب العشرة، آداب نماز یومیّه و دعای منقوله، اثبات الصانع و اصول دین، افضلیت ائمه از انبیا (تفضیل الأئمة علی غیر جدّهم من الانبیاء)، افلاکیّه، اقناعیّه، الزام الملحدین در مطاعن ملای رومی و غیر او، برهانیّه کوچک (البراهین الجلیّة فی تفضیل آل محمد علی جمیع البریّة)، برهانیهٔ بزرگ، تاریخیه فی مقدار اعمار سادات البریّه، تحفة الاخیار، تحفة المجاور، تحفة بقیةاللّه، تذکرة الغافلین (تنبیه الغافلین). (میردامادی و قنبریان، ۱۳۹۴: ۱۰۰ـ۱۰۱)

در صفحهٔ بیست تا بیست‌وسه کتاب «مناظرهٔ بحرالعلوم سیدمحمدمهدی بروجردی طباطبایی (۱۲۱۲ه.ق) با یهودیان ذوالکفل گزارش‌های عربی و فارسی» که توسط زابینه اشمیتکه و رضا پورجوادی نگارش یافته است، تحقیقی دربارهٔ آثار هزارجریبی بیان شده است.

پس از وفات وحید بهبهانی در کربلا مجلس درسی تشکیل داد و پس از اندک‌زمانی و بعد از سیدعلی صاحب ریاض در همان کربلا و در بین مردم مرجعیت یافت؛ هرچند ایام ریاستش دوامی نیافت و پس از مدت کمی از دنیا رفت. (امین، ۱۴۰۸ق: ج۴، ۱۵۹)

درباره ملامحمدکاظم هزارجریبی استرآبادی در کتاب های تراجم، زندگی‌نامۀ علما و در فهرست‌نگاری‌های مربوط به آثار علمی و مکتوبات دانشمندان شیعه، نامش و عنوان رساله‌هایش مذکور است.(هزارجریبی، ۱۳۹۷: ص۹) از اساتید برجسته ایشان محمدباقر بهبهانی (۱۲۰۸ق) و علی‌بن‌محمدعلی طباطبایی(۱۲۳۱ق) و علامه بحرالعلوم هستند. بیشترین آثار محمدکاظم هزارجریبی در علم کلام است.(ر.ک: سبحانی، ۱۴۲۴ق (الف): ص۲۹۴؛ ۱۴۱۸ق، ج۱۳: ص۶۲۴؛ ۱۴۲۴ق (ب)، ج۵: ص۱۸۹)

سه. پیشینه تحقیق و پژوهش در آثار هزارجریبی

در زمینۀ بررسی آراء و نظریّات دانشمندان، تحقیقاتی تاکنون صورت گرفته است. به عنوان نمونه تحقیقاتی که در زمینۀ آراء خواجه نصیرالدین طوسی و علّامۀ طباطبایی براساس تألیفات و نگاشته‌های آنان صورت گرفته است؛ اما دانشمندانی هستند، که با وجود دارا بودن آثار فاخر، هنوز اقدامی در شناسایی و تبیین آثار آنان صورت نگرفته است. یکی از این اندیشمندان آیت‌اللّه هزارجریبی است. ایشان در علوم مختلف به‌ویژه کلام اسلامی داری تألیفات است.

مرحوم هزارجریبی دارای بیش از ۶۰ رسالۀ فاخر و ارزشمند می‌باشد (برخی از رساله‌ها قابل دسترسی است و در برخی از مخزن‌های نگهداری نُسَخ خطّی در ایران مانند کتابخانۀ ملک موجود است).

پژوهش‌های صورت‌گرفته درباره هزارجریبی و آثارش:

۱. جویا جهان‌بخش و علی‌اکبر صفری:

تعداد ۳ رساله از هزارجریبی توسط دیگر محققین تصحیح و منتشر شده است با عناوین:

الف) منبه الملحدین فی رد الغالین.

ب) کاشف الغلو و هادی اهل العلو.

این دو رساله در کلام و اعتقادات بوده و توسّط آقای جویا جهان‌بخش تصحیح گردیده است و در کتاب مزدک‌نامه به چاپ رسیده است.

پ) فهرست خودنوشت

در کتاب جشن نامه آیت‌اللّه رضا استادی که به کوشش رسول جعفریان منتشر شده است، مقاله‌ای از آقای علی‌اکبر صفری با نام «فهرست خود نوشت ملا محمدکاظم هزارجریبی» آمده است که دو فهرست خودنوشت آیت‌اللّه هزارجریبی که در کتابخانه طبسی موجود می‌باشد، به شماره ۶۰۰/۱۵ و ۴۷۱/۲ تصحیح و احیاء گردیده است.

۲. علی قنبریان:

الف) تصحیح و احیا و چاپ بیش از ۴۰ رساله از هزارجریبی

ب) انتشار تعدادی مقاله در ارتباط با منظومه فکری هزارجریبی در مجلات علمی همچون:

ـ مقاله «تبیین و تحلیل دیدگاه محمدکاظم هزارجریبی درباره عرفان و فلسفه»، دوفصلنامه هفت‌آسمان، سال ۲۲، شماره ۷۸، بهار و تابستان ۱۳۹۹، ص۱۷ـ۳۷.

ـ مقالهٔ «زندگی‌نامه و آثار آیت‌اللّه محمدکاظم هزارجریبی استرآبادی»، فصلنامهٔ اختصاصی مطالعات فرهنگی میرداماد، سال سوم، شمارهٔ ۱۲ و ۱۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۷، ص۲۱ـ ۳۲.

ج) رساله دکتری: تصحیح نسخه‌های کلامی هزارجریبی و تبیین آراء کلامی ایشان، استاد راهنما: سیدمجتبی میردامادی و سیدجواد نعمتی، سال دفاع: ۱۳۹۸، رشتهٔ مدرّسی معارف اسلامی: گرایش مبانی نظری اسلام، دانشکدهٔ معارف و اندیشهٔ اسلامی دانشگاه تهران.

مطالب مقاله حاضر با تحقیقات قبلی همپوشانی نداشته و برگرفته از رساله‌های هزارجریبی است.

چهار. ویژگی های استدلال و پاسخ به شبهات

در این قسمت، مشخصات اصلی و مهم استدلال های مرحوم هزارجریبی و پاسخ گویی به شبهات تبیین می گردد که برخی از مهم ترین آن ها نگارش روان و آسان در این نوع مباحث و تمرکز و عشق به سیره معصومان(ع) است.

۱- عشق و ارادت به ائمهٔ معصومین(ع)

بیشتر آثار هزارجریبی در تبیین و نشر معارف اهل‌بیت(ع) است: «فقیر با عدم قابلیّت، زیاده بر دوهزار بیت اخبار نصوص امامت که خدا و رسول(ص) ذکر کردند نوشتم و زیاده بر سی‌هزار بیت اخبار امامت حضرت امیرالمؤمنین(ع) را نوشتم و زیاده بر صدهزار بیت کتابت اخبار امامت آن حضرت و فرزندان او(ع) را در هفت مجلّد کتاب نوشتم.»(هزارجریبی، نسخه خطی فواید لطیفه، شمارهٔ نسخه: ۱۲۳۹/۶)

ایشان ارادت بسیار زیادی به محمد و آل‌محمد(ع) داشته است و این امر در نقش مُهر وی متبلور گشته است: «بندهٔ آل‌محمد کاظم». در فهرست خودنوشتی که از ایشان باقی مانده است، چنین گوید: «اما بعد چنین گوید: عبد خاطی ابن محمدشفیع، محمدکاظم هزارجریبی‌عفی‌اللّه‌عن‌جرائمهما که جناب اقدس الهی به فضل و رحمت خود توفیقی به این ذرهٔ بی‌مقدار روزی کرده است که به برکت یاری حقّ عزّوجلّ و به شفقت

انظار لطف محمد و آل محمّد علیه‌وعلیهم‌السلام‌والصلاة الباقیات مادامت الارض و السماوات.»(صفری، ۱۳۹۳: ۹۱۱-۹۱۲) این موارد، حاکی از ارادت خاص وی نسبت به ایشان است.

۲- توجه به هجمه‌های مخالفان

هزارجریبی به مسئلهٔ شبهه‌زدایی توجه ویژه‌ای دارد و در کتاب‌هایش به شبهات مطرح‌شده در حوزه‌های مختلف پاسخ می‌گوید. یکی از کتاب‌هایش با عنوان «کنزالفواید» است. این کتاب دارای ۱۲ باب و یک خاتمه است. در باب اول که با عنوان دفع شبهات واهیه است، شبهات مختلف را مطرح کرده و سپس پاسخ داده است. مثلاً در مورد شبههٔ اینکه خداوند متعال نور است چنین گوید: «صانع عالم منزّه ازین است؛ زیرا که نور جسم است و از برای او جهت است و حق عزوجل ازین لطیف‌تر و جلیل‌تر است و او خالق نور است.»(همو، نسخه خطی کنزالفواید، شمارهٔ نسخه: ۱۰۰۶)

هزارجریبی به‌عنوان متکلم فقط در پی بیان استدلال بر گزاره‌های کلامی و اعتقادی نیست بلکه همچون طبیبی حاذق که برخی از بیماری‌ها را با دفع سمومی از بدن درمان می‌کند، برخی از کج‌روی‌های اعتقادی را از طریق دفع شبهات کلامی از ساحت اندیشهٔ شیعی درمان می‌کند. هر شبهه مانند لک سیاهی است که بر آینه می‌افتد. طبیعی است اگر کسی در مقام تمییز و پاکیزه کردن آینه از لک‌ها و سیاهی‌ها و کدورات نباشد، به‌مرور سیاهی و تاریکی همه‌جای آن را گرفته و آینه خاصیت خود را از دست می‌دهد.

۳- ارجاعات متعدد به کتاب‌ها و رساله‌های علمی

مقصود نویسندگان از این مطلب آن است که به خواننده تنبه دهند که علامه هزارجریبی در مکتوباتش از کتب علمی بسیاری استفاده کرده و به آن‌ها پیوسته ارجاع داده است و این یکی از نقاط قوت هزارجریبی در استدلال‌ورزی است که برخی از نویسندگان فاقد آن هستند.

به بیان دیگر، یکی از نکاتی که در آثار مرحوم هزارجریبی به‌صورت جدی جلوه‌گری می‌کند مطالعات پُردامنه و وسعت تحقیقات اوست. مرحوم هزارجریبی علاوه بر مطالعهٔ کتب روایی و حدیثی و نیز کتاب‌های کلامی و اعتقادی و نیز ردیه‌هایی که در این باب به رشتهٔ تألیف در آمده است، به اصل کتاب‌های نوشته‌شده از سوی فلاسفه و عرفا و دراویش و به دیوان شاعران مراجعه نموده و آنها را مورد مطالعه قرار داده است. به‌طور مثال آنجایی که در نقد عقاید ابن‌عربی قلم می‌زند تمام مطالبش را مستند به مطالب «فصوص» و «فتوحات مکیه» کرده و از آنها نقل نموده و نقد می‌نماید. در مورد اشعار حافظ، مولوی، جامی، و ... نیز ابتدا اشعارشان را نقل نموده و سپس به تفسیر و تبیین اعتقاداتشان می‌پردازد. (هزارجریبی، ۱۳۹۸: ۲۷ـ۲۸) همچنین در بین

کتاب‌های مورد مراجعهٔ او، کتاب‌های تاریخی و شرح‌حال‌نویسی متعددی دیده می‌شود که حجم عمدهٔ مطالب در باب معرفی اشخاص و نقد شخصیت آنها از این کتابها است. شاید این تعبیر را در برخی کتب که «او حرص و ولع زیادی به مطالعه و بحث و کاوش در کتب داشته است» (سبحانی تبریزی، ۱۴۲۴ق ب، ج ۵: ۱۷۸)، از میزان مراجعه‌های او به منابع مختلف دریافته‌اند.

۴- نگارش آسان و روان

مرحوم هزارجریبی قصد داشت مذهب تشیع را بین مردم ترویج دهد، لذا برخی از آثارش را به فارسی ساده و روان نوشته است. بنابراین غیرپیچیده بودن برخی از آثارش دلالت بر کم‌سوادی ایشان نمی‌کند. اهداف و اغراض تألیف و ترجمهٔ برخی از کتابها از سوی هزارجریبی و جامعهٔ هدف ایشان، عموم مردم بوده است. در برخی رساله‌ها و مکتوباتش به جهت آنکه مخاطب ایشان عموم مردم بوده‌اند نه جامعهٔ علمی آن روزِ حوزه‌های علمیه و اهل فن، مجالی برای بحث‌های عمیق استدلالی عقلی و کلامی نبوده است. اگر منصفانه به این مطلب توجه کنیم شاید این را نقطهٔ قوتی در فعالیت‌های ایشان بدانیم که این مطالب را توانست با قلمی روان و ساده در بین مردم و مؤمنین آن روزگار رواج دهد. کاری که در دورهٔ معاصر برخی مراجع فعلی و بزرگان دینی بدان اهتمام جدی داشته و دارند.

هزارجریبی برای تحقق هدفش، برخی مواقع تألیف را کنار گذاشته و به ترجمه روی آورده است. ترجمهٔ «اعتقادات» علامه محمدباقر مجلسی و ترجمهٔ «حدیث عنوان بصری» و ترجمهٔ «مناظرهٔ علامه بحرالعلوم با یهودیان ذوالکفل» و ترجمهٔ برخی از احادیث از این قبیل است. هم‌اکنون (سال ۱۳۹۸ شمسی) ترجمه‌های بسیاری از «اعتقادات» محمدباقر مجلسی و «حدیث عنوان بصری» انجام شده است. طبق تحقیقاتی که نگارنده انجام داده است، هزارجریبی در ترجمهٔ این دو کتاب، گوی سبقت را از مترجمان دیگر ربوده است.

جامعهٔ هدفِ ایشان بیشتر فارسی‌زبانان بوده است لذا علی‌رغم توانایی بر عربی‌نویسی اکثر آثارش را به زبان فارسی نوشته است. در واقع برخی از مکتوبات هزارجریبی، کتاب‌های درس دینی بود که به‌طور خودجوش برای عموم مردم نگاشت. وی حتی از آموزش کلام و عقاید و مستدل کردن آن‌ها برای عوام پا را فراتر گذاشت و برای آداب معاشرت در اسلام رسالهٔ «آداب العشره» را نگاشت.

ساده‌نویسی هنر است و یکی از مزایای نویسندگی است و این مزیت از هر کسی ساخته نیست. چه بسیار دانشمندان و متخصصانی که قادر به ساده‌نویسی و ساده‌گفتاری نیستند و تودهٔ مردم را از نوشتار و گفتار خویش بی‌نصیب می‌گذارند. برخی هم به‌خاطر غرور و وجاهت علمی حاضر نیستند که اصطلاحات را رها کرده و ساده و روان بنویسند و صحبت کنند. بنابراین ساده‌نویسی نه‌تنها نقصی در آثار هزارجریبی نیست بلکه نقطهٔ قوت قلم وی است. ساده‌نویسی مورد تأکید دانشمندان نگارش و ویرایش است (صلح‌جو، ۱۳۹۴: ۱۵۰). رضا بابایی دربارهٔ برخی از راهکارهای ساده‌نویسی گوید:

«ساده‌نویسی، نوعی کلیشه‌ستیزی و گاهی حتی ساختارشکنی است و بی‌اعتنایی به قالب‌های غالب و کلیشه‌های حاکم، کار دلیران عرصهٔ قلم است. برای ساده‌نویسی باید معناگرا بود، نه لفظاندیش. به سخن دیگر، کسی می‌تواند ساده و روان بنویسد که قصدش از نوشتن، پیام‌رسانی باشد، نه بازی با کلمه.» (بابایی، ۱۳۹۴: ۱۴۴)

جهان‌بخش دربارهٔ توجه هزارجریبی به عوام و ارتقاء معرفت دینی آن‌ها در آثارش گوید:

«هزارجریبی بیشترینهٔ آثار خود را به قصد انتفاع عموم به قلم آورده و به نوعی در پی همگانی کردن معارف دینی، به‌ویژه آگاهی‌های ضرور عقیدتی، بوده است و اغلب کوشیده تا از راه ترجمه و تحریر ساده و همه‌فهم اخبار و احادیث مربوط به موضوع بحثش، اطّلاعات بایستهٔ توده‌های شیعی را در اختیار ایشان بنهد. می‌توان گفت که او فارسی‌نویسی‌های محمّدباقر مجلسی را در این زمینه سرمشق خویش قرار داده و البتّه قالبهایی کوچک‌تر و مسائلی جُزئی‌تر را برای نگرش و نگارش برگزیده است. وی در مکتوبات خود بارها از مجلسی و آثارش با تحسین و تبجیل یاد کرده و توجّه خویش را به فایده‌بخشی عمومی آثار فارسی مجلسی نشان داده است. تَصَفّح آثار هزارجریبی مانند کنزالفوائد به روشنی نشان می‌دهد که وی در باب تصحیح عقاید عوام و تحذیر از پندارهای بی‌بنیاد و اباطیل و اوهام بسیار اهتمام داشته است و کوشیده تا باورها و اخبار مجعول و موهوم را ـ بر حسب تشخیص خودـ به نقد کشد.» (جهان‌بخش، ۱۳۹۱: ۵۵)

هزارجریبی برای تأثیرگذاری بر تودهٔ مردم که غالباً اجنبی و غریب نسبت به دلیل و برهان هستند و به همان اندازه از قوت تخیل بالایی برخوردارند، از عنصر خواب و رؤیای صادقانه و امور خارق‌العاده استفاده می‌کند تا تدین و روبه‌سوی‌خداآوردن در آن‌ها تقویت شود و برای دو عنصر فوق علاوهٔ بر آنکه در لابه‌لای مکتوباتش وقایعی ذکر می‌کند، رسالهٔ «تحفهٔ‌الاخیار»[1] را تألیف می‌کند. مطالعهٔ این کتاب می‌تواند برای عموم مردم سودمند بوده و سبب تقویت ایمان آن‌ها شود. نقطهٔ ضعفی که هزارجریبی در آگاه‌سازی عموم مردم دارد، این است که به هیچ‌وجه از شعر استفاده نمی‌کند. عنصری که گاهی از چند صفحه قلم‌فرسایی راه‌گشاتر و مفیدتر است.

پنج. روش های استدلال و پاسخ به شبهات

---

۱. کتابی دیگر با عنوان «تحفهٔ الاخیار» وجود دارد و مؤلف آن مولی محمدطاهربن‌محمدحسین شیرازی نجفی قمی است و مشتمل بر هزار بیت فارسی در مدح امیرالمؤمنین (ع) و ردّ صوفیه است. شیخ آقا بزرگ تهرانی صاحب «الذریعهٔ» کتاب مذکور را نام برده و گزارش کرده که از جملهٔ کتاب‌هایی است که در کتابخانهٔ حاج شیخ علی‌اکبر نهاوندی موجود بوده است. (نهاوندی، ۱۳۸۶: ۴۳).

در این قسمت، مهم ترین روش های استدلالی مرحوم هزارجریبی در استدلال و استشهاد گزاره های دینی و پاسخ به شبهات البته به همراه نقدهایی که به نظر گاهی وارد هستند، تبیین می شود.

۱- نگارش کتاب برای پاسخ

هزارجربی برخی از رساله‌هایش را برای پاسخ دادن از یک شبهه نگاشته است. به سه مورد اشاره می‌شود:

الف) برخی، پیامبران(ع) را از معصومین(ع) اشرف و افضل می‌دانند. به بیان دیگر این افراد از مقصِّره هستند که در حقّ ائمه(ع) و شأن آنان کوتاهی کرده‌اند. به نظر هزارجریبی بنابر اخبار بسیار، ائمه(ع) از پیامبران سابق افضل هستند. وی برای ردّ شبهۀ فوق و اثباتِ افضلیت ائمه(ع) رسالۀ «برهانیه/ البراهین الجلیّۀ فی تفضیل آل محمد علی جمیع البریّۀ» را نگاشته است. هزارجریبی در رسالۀ فوق هشت برهان بر افضلیت ائمه(ع) از پیامبران سابق آورده است. وی در برهان هفتم، مطرح کرده که ائمه(ع) برخلاف پیامبران سابق مرتکب ترک اولی نشده‌اند و این یکی از وجوه افضلیت ائمه(ع) است.

ب) وی رسالۀ «کاشف‌العدل» را در پاسخ به افرادی نگاشته است که در بلاها و مصیبت‌ها بی‌صبری[۱] می‌کنند و راضی به قضا و قدر الهی نبوده و سخنان کفرآمیز گفته و عدالت خداوند متعال را زیر سؤال می‌برند.(هزارجریبی، کاشف العدل، کتابخانۀ طبسی: شمارۀ نسخه: ۶۰۰/۹؛ کتابخانۀ مجلس، شمارۀ نسخه: ۴۵۲۷/۳)

ج) وی برای پاسخ‌گویی از شبهۀ کراهت اقامت در کربلا، کتاب «تحفۀالمجاورین» را نوشته است و قضایایی را نقل کرده است و محدّث نوری در کتاب «دارالسّلام فی ما یتعلّق بالمنام» چند تا از حکایت‌های ایشان را نقل می‌کند.

۲- استفاده از روش حلی و نقضی

استدلال بر دو قسم است: حلی و نقضی. برخی از این دو به جواب حلی و جواب نقضی نیز تعبیر می‌کنند. مهم‌ترین اصل پاسخ‌گویی به شبهات، شروع با پاسخ‌های نقضی است. پاسخ نقضی باعث می‌شود که استدلال شبهه‌گر و دژی که در آن سنگر گرفته است، در هم فرو ریزد و پس از فروریختن دژ شبهه‌گر است که پاسخ‌های حلی کاربرد دارد. تا استدلال شبهه‌گر فرو نریزد او به هیچ‌وجه تسلیم حقایق نخواهد شد. نکتۀ مهمی که در پاسخ‌های نقضی وجود دارد این است که نقض باید از اصول یقینی و بدیهی عقلی یا از معتقَدات

---

۱. مشتقّات مختلف ریشۀ «صبر» ۹۳ مرتبه در قرآن ذکر شده است.

شبهه‌گر باشد تا او را بر سر دوراهی قرار دهد که یا باید از استدلال خودش دست بردارد یا در برابر بدیهیات بایستد. آنچه جواب سؤال است در واقع پاسخ‌های حلی است که سؤال را برطرف می‌کند و کسی نباید به ارائهٔ پاسخ نقضی اکتفا کند (محمدی، ۱۳۸۸: ۴۷ و ۵۱).

هزارجریبی در مکتوبات خویش هیچ‌گاه نام دو اصطلاح روش حلی و روش نقضی را تصریح نکرده است. شاید این دو اصطلاح در زمان وی وجود نداشته و از مستحدثات دانشمندان در کلام جدید یا فلسفهٔ غرب در دوران معاصر است. در استدلال‌ورزی و همچنین پاسخ‌گوئی به شبهات از هر دو شیوهٔ استدلال حلی و نقضی استفاده کرده است؛ گرچه از استدلال نقضی بسیار کمتر و محدودتر بهره گرفته است. محتَمل است که ایشان، استدلال نقضی را از اساس فاقد توانائی کشف حقایق قلمداد کرده است.

نمونه‌ای از استدلال نقضی در مکتوبات هزارجریبی:

[پیامبر به یهود] فرمود که چه چیز شما را باعث شده است که گفتید عزیر پسر خداست؟ گفتند از برای آنکه او زنده کرده است از برای بنی‌اسرائیل تورات را بعداز آنکه از میان رفته بود و نکرد او این را مگر آنکه او پسر خداست. حضرت رسول' فرمود که چگونه او پسر خدا شده است و موسی پسر خدا نشده است با آنکه موسی تورات را برای ایشان آورده است و معجزات از او دیده شده است و شما دانستید آن‌ها را. پس هرگاه عزیر پسر خداست برای آن کرامتی که از او ظاهر شده است به احیاء تورات پس موسی به‌سبب نبوّت و پیغمبری و علوّ مرتبه او از عزیر، احق و اولی است به این زیرا که هرگاه این مقدار از کرامت از برای عزیر باعث آن گردد که باید عزیر پسر خدا باشد پس اضعاف این کرامت از برای موسی باعث می‌گردد منزلتی را جلیل‌تر و بلندتر از نبوّت باشد و اگر اراده کرده‌اید دلالت‌کردن آن را بر پسربودن بر آنچه مشاهده می‌کنید در این دنیا از متولّدشدن اولاد به وطی‌کردن پدران اولاد مادرهای ایشان را پس به‌تحقیق که کافر شده‌اید به خدا و تشبیه کرده‌اید او را به خلق او و ثابت کردید در او صفات محدثین را و واجب است نزد شما اینکه چنین کس حادث و مخلوق باشد و از برای او خالقی باشد که او را ساخته باشد و ایجاد کرده باشد.»۱

نمونه‌ای از استدلال حلی در مکتوبات هزارجریبی:

هزارجریبی در فصل چهارم از رسالهٔ «برهانیّهٔ بزرگ/ البرهان الجلیهٔ فی اثبات حقیهٔ الاثنی عشریهٔ» براهین متعددی در اثبات حقانیت مذهب تشیع آورده است. متن ذیل بخشی از برهان هفتم است:

---

۱. محمدکاظم هزارجریبی، مناظرهٔ پیامبر اکرم' با ادیان دیگر: تصحیح رسالهٔ احتجاجیه، ص۲۳ـ۲۴.

«آن است که مخالفان گفته‌اند که نصب امام بر حقّ‌تعالی لازم نیست، بر خلق لازم است. این سخن باطل است به چندین وجه: اوّل آنکه امامت تالی نبوّت است. چنان‌که تعیین پیغمبر بر خداوند عالم لازم است – زیرا که نبوّت لطف است و لطف بر حقّ‌تعالی لازم است که از برای ارشاد خلق به چیزهایی که باعث اصلاح معاش و معاد بندگان [است] نماید – امامت نیز چنین است. دوّم آنکه حجّت خدا که مردم به اطاعت او به رشد و صلاح خود برسند، نمی‌شود مگر آنکه آن حجّت معصوم باشد از لغزش و خطا و دروغ و از جمیع اعمال ناشایسته. و شکّی نیست که عصمت امری باطنی است و غیر علّام‌الغُیوب کسی به آن مطّلع نیست.»۱

۳- برهان سازی

وی در رساله‌هایش به تمامی پنج اصل عقیدتی (توحید، نبوت، امامت، معاد، و عدل) پرداخته است و دغدغه‌اش آگاه‌سازی عوام و دفاع از اصول عقاید شیعه دربرابر هجمه‌های فکری بوده است. در اثبات آن‌ها استدلالات مناسب را به‌کار گرفته است. مثلاً در مباحث مربوط به توحید، از دلایل عقلی بیشتر استفاده کرده است مانند: برهان نظم و برهان امکان.(حائری هزارجریبی، کاشف الغُلُوّ و هادی أهل العُلُوّ، شمارهٔ نسخه: ۶۰۰/۱۳) هزارجریبی در ابتدای رسالهٔ «منبّه‌المغرورین» و بعداز ذکر مقدمه‌ای، در اثبات اصل وجود خداوند، بدون تصریح به عنوان «برهان نظم» از این برهان استفاده می‌کند و به ذکر آیات، نشانه‌ها، و نظم در آفاق و انفس اشاره می‌کند وبعداز شمردن مصادیق نظم، برای تکمیل کردن بحث و تأیید سخنانش، به آیه‌ای از قرآن استناد می‌کند.

اینکه هزارجریبی در آثارش از صنعت مغالطه و خطابه استفاده نمی‌کند، غیرطبیعی نیست. زیرا خطابه قیاسی است که مفید تصدیق غیرجازم بوده و هدف از آن قانع‌ساختن مردم است و غالباً برای خطیب و در حضور مستمعان است.(المظفر، ۱۳۸۸ق: ۳۲۸)

وی هیچ‌گاه در لابه‌لای آثارش برای استشهاد یا تحت‌تأثیر قرار دادن خوانندگانِ آثارش از شعر استفاده نکرده است نه اشعار فارسی و نه اشعار عربی و این نقصی در نویسندگی وی است زیرا از شعر می‌توان در قانع کردن خوانندگان و لطیف کردن فضای بحث بهره گرفت. وی در نقد عارفان و متصوفه، اشعاری را از شاعران

---

۱. نسخهٔ خطی برهانیّهٔ بزرگ/ البرهان الجلیهٔ فی اثبات حقیهٔ الاثنی عشریهٔ، قم، کتابخانهٔ طبسی (امام رضا(ع))، شمارهٔ بازیابی: ۳۰۷/۱۰؛ نسخهٔ خطی برهانیّهٔ بزرگ/ البرهان الجلیهٔ فی اثبات حقیهٔ الاثنی عشریهٔ، قم، کتابخانهٔ مرعشی نجفی، شمارهٔ بازیابی: ۷۲۸۰.

آن‌ها مانند مولوی، حافظ، عرفی شیرازی، و عطار نیشابوری آورده و نقد کرده است.(ر.ک: هزارجریبی، نسخه خطی منبّه‌الجهال، شمارهٔ بازیابی: ۱۴۳۲۱ـ۵)

بررسی و نقد؛ این نقصی در نویسندگی وی است؛ زیرا اگر چه از منظر حکمای اسلامی ارزش قیاس شعری و مخیلات بسیار کم‌تر از ارزش یقینیات و قیاس برهانی است، ولی از شعر می‌توان در قانع کردن خوانندگان و لطیف کردن فضای بحث بهره گرفت.

کلام وی دربارهٔ حافظ و دیگر شاعرانِ عارف قابل رد و نقض است، زیرا صبغهٔ غالب در شعر شاعرانِ مسلمان به‌ویژه شعرای نامدار گذشته، دینی بودن است. سرتاسر «مثنوی معنوی» مولوی اشارات و پیام‌های دینی است. این اشعار ارتباط مستقیم و مثبتی با موضوعات و مضامین دینی دارند و به همین دلیل عالی‌ترین جلوهٔ هنر دینی هستند(هاشم‌نژاد، ۱۳۹۸: ۱۲۰).

۴- استناد به روایات

هزارجریبی در آثار خویش در بیان و اثبات گزاره‌های کلامی و اعتقادی بسیار از روایات استفاده کرده است. به‌تعبیری احادیث برجای‌مانده از معصومین(ع) دست‌به‌عصای وی بوده که در هنگام استدلال‌ورزی به‌کار می‌گرفته است. نکاتی دربارهٔ چگونگی استدلال و استشهاد ایشان به روایات ذکر می‌شود:

الف) دأب و منش علمی ستودنی هزارجریبی آن است که بسیاری از مواقع برای اثبات اصلی یا فرعی از کلام شیعی، روایات بسیاری را ذکر می‌کند. این روایات خانوادهٔ حدیثی را تشکیل داده و برخی مواقع به حد تواتر معنوی رسیده و با قدرت و توان بالا، مدعای مطرح‌شده را مستدل و غیرقابل‌اجتناب می‌کند. به‌عنوان نمونه هزارجریبی در رسالهٔ «کاشف‌العدل و مبیِّنُ الفضل[1]».(همو، نسخه خطی کاشف‌العدل، کتابخانهٔ طبسی (امام رضا(ع))، شمارهٔ بازیابی: ۶۰۰/۹؛ کتابخانهٔ مجلس، شمارهٔ بازیابی: ۴۵۲۷/۳)

ب) برای اثبات گزاره‌ها، به‌صورت خشک و خالی روایات را بیان نمی‌کند بلکه گاهی از اصطلاحاتِ «متواتر»، «صحیح»، «حسن»، «معتبر»، «حسن کالصحیح»، «آیات متکاثره»، «خبر مشهور»، «احادیث بسیار»، «اخبار کثیره»، «اطلاق حدیث»، «معارض اخبار»، «اخبار آحاد»، «درایت»، «قطع»، «ظنّ»، «حدیث مجمل»، و «سند معتبر»(همو، نسخه خطی کاشف‌العدل، کتابخانهٔ طبسی امام رضا(ع)، شمارهٔ بازیابی:

---

۱. در برخی از نسخه‌های خطی از این رساله با عنوان «کاشف‌العدل و بیِّنُ الفضل» نام برده شده است.

۶۰۰/۹)، «مقطوعه»(همو، مجموعه آثار محمّدکاظم هزارجریبی: کاشف العدل اقناعیّه برهانیّه: ۶۶) استفاده می‌کند تا درجهٔ اعتبار استدلالش را ارتقا دهد.

ج) برخی مواقع نام راوی معتبر و ثقه‌ای که از امام(ع) حدیث را بدون واسطه شنیده مانند زراره و عبداللّه‌بن‌سنان یا کتاب و منبع اصلی که روایت را از آن آورده یا نام نویسندهٔ کتاب را می‌برد، تا در قبال آبروی راوی، کتابِ مادر، و نویسنده‌اش، روایت آبروداری شود. به عنوان نمونه «کلینی رضوان‌اللّه‌علیه به سند معتبر از ابوبصیر روایت کرد که حضرت امام جعفر صادق(ع) فرمود: اصول کفر یعنی ریشهٔ آن سه چیز است: حرص و استکبار و حسد.»(همو، فواید و برکات اسلام و ایمان: تصحیح رسالهٔ دعائم‌الاسلام: ۵۶)

د) هزارجریبی صرفاً به نقل روایات اکتفا نمی‌کند بلکه برخی مواقع از روابطی که بین مدالیل روایات است خبر داده است. مثلاً وی در بحث از مستضعفان شیعه در رسالهٔ «کاشف العدل و مبیِّنُ الفضل» از تضاد دو دسته از روایات خبر داده است. سپس طبق قاعدهٔ معروف «الجمع مهما امکن اولی من الطرح»(سبحانی، ۱۳۹۶: ۹۲) رفع تعارض کرده و دو دسته روایت متضادنما را جمع کرده است(هزارجریبی، مجموعه آثار محمّدکاظم هزارجریبی: کاشف العدل اقناعیّه برهانیّه: ۵۶-۵۸).

۵- استناد به ادعیه و زیارات

دعاها و زیارت‌نامه‌های معتبر و مستند که صدور آن‌ها از معصومین(ع) ثابت شده است، حجت است و می‌توان در گزاره‌های دینی به آن‌ها تمسک کرد؛ همچون زیارت عاشورا، دعای کمیل، و صحیفهٔ سجادیه. هزارجریبی در شناخت نقلی، به زیارات و ادعیه توجه کرده و به آن‌ها برای اثبات سخنانش استدلال کرده است.

جوادی آملی دعا را چنین تعریف کرده است: «دعا در اصطلاح دینی، به معنای روی آوردن به خداوند و درخواست از او، با حالت خضوع است.»(جوادی آملی، ادب فنای مقربان: ۵۶) مفهوم واژهٔ زیارت با معنای واژه‌هایی مانند رؤیت، مشاهده، و ابصار متفاوت است.(اسحاقی، ۱۳۹۰: ۲۳)

نمونه‌ای از استدلال به ادعیه و زیارات در مکتوبات هزارجریبی از رسالهٔ برهانیهٔ کوچک: «بزرگواری و تفضیل ایشان[1] در اخبار بسیار موجود است و از جملهٔ آن‌ها فقرات زیارات است، چنان‌که امام علی النقی صلوات اللّه و سلامه علیه در زیارت «جامعه» می‌فرماید: فَبَلَغَ اللّهُ بِکُم اَشرَفَ مَحَلِّ المُکَرَّمینَ وَ أعلی مَنازِلِ

۱. ایشان: ائمهٔ معصومین(ع).

المُقَرَّبینَ وَ أرفَعَ دَرَجاتِ المُرسَلینَ(ابن‌بابویه(شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، ج۲: ۶۱۳)، تا آخر فقرات. و حضرت امام حسن عسکری(ع) در زیارت «غدیر» فرموده است که گواهی می‌دهم که محمّد و آل او علیه و علیهم السّلام سادات خلق‌اند، و در زیارت «آل‌یاسین» که از ناحیهٔ مقدّسه بیرون آمده است، در آن زیارت حضرت قائم× فرموده است که گواهی می‌دهم که حبیبی نیست مگر محمّد و اهل‌بیت او. و در دعای زیارت عاشورا مذکور است: حَتَّی فَاقَ فَضْلُهُمْ فَضْلَ الْعَالَمِین (طوسی، ۱۴۱۱ق، ج۲: ۷۷۸)»(هزارجریبی، مجموعه آثار محمّدکاظم هزارجریبی: کاشف العدل اقناعیّه برهانیّه: ۱۰۹-۱۱۰)

۶- استناد به امور خارق‌العاده

هزارجریبی به‌صورت محدود، گاهی برای تشویق و تحریک به دینداری برخی از امور خارق‌العاده را بیان می‌کند. از آن موارد می‌توان به امر خارق‌العاده‌ای که از استاد خویش، وحید بهبهانی، نقل کرده است، نام برد(ر.ک: حائری هزارجریبی، رسالهٔ تحفهٔ الاخیار).[1] متخصصان علوم مختلف گواهی می‌دهند که کارهای خارق‌العاده براساس قوانین علوم مادی و تجربی انجام نمی‌یابد برخلاف امور غیر خارق‌العاده مانند پدیده‌هایی فیزیکی، شیمیایی، زیستی، و روانی که از راه اسباب و عللی است که با آزمایش‌های گوناگون قابل شناخت است(مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ص۱۸۶). در این قسمت دو نمونه از امور خارق‌العاده در مکتوبات هزارجریبی تبیین می شود:

الف) وی در اواخر رسالهٔ «جدلیه» ضمنِ بیان اوصاف و ویژگی‌های علامه بحرالعلوم، از برخی از امور خارق‌العاده دربارهٔ وی گزارش کرده است: «و آنچه بعضی از اصدقا نقل می‌کنند، گشوده شدن درِ صحن و درِ روضهٔ حضرت امیرالمؤمنین صلوت‌اللّه‌وسلامه‌علیه برای جناب سیّدمحمّدمهدیرضوان‌اللّه‌علیه و دیدن او امام(ع) را، هرچند که نزد بنده درست ثابت نشده است، ولیکن از چنین بزرگواری این امر دور نیست و اللّه العالم بالحقّ و الصّواب.»(هزارجریبی، نسخه خطی جدلیه: شمارهٔ نسخه: ۱۴۶۲۸-۵.)

ب) وی برخی از کرامات و امور خارق‌العاده را در ارتباط با ائمهٔ معصومین(ع) نقل می‌کند. از آنجا که وقوع چنین اموری به دست معصومین امتناع عقلی ندارد، سند روایات بایستی بررسی شود و در صورت صحیح

---

۱. رسالهٔ تحفهٔ الاخیار به صورت عکسی می باشد که از کتابخانه مرکز احیاء در قم(شمارهٔ نسخه: ۳۶۲۹) و کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران(شمارهٔ نسخه: ۴۵۲۷/۷) استفاده شد.

بودن سند و نبود روایات معارض آن‌ها را پذیرفت(همو، نسخهٔ خطی اثبات‌الصانع و اصول دین، شماره: ۱۴۶۲۸-۵).

بررسی و نقد؛ امور خارق‌العاده همان محال عرفی است و وقوع ذهنی و خارجی آن ممتنع نیست. صدور امور خارق‌العاده از سوی پیامبران(ع) معجزه و از طرف غیرآنان، کرامت نامیده می‌شود. دو اشکال بر هزارجریبی وارد است:

الف) ایشان رساله‌ای فارسی دربارهٔ فضایل و مناقب حضرت علی(ع) دارد و نام آن را «معجزات» گذارده است. در مقدمهٔ رساله چنین گوید: «امّا بعد بدانکه قلیلی از معجزات شاه مردان علی‌بن‌ابی‌طالب(ع) ذکر می‌شود.»(همو، نسخه خطی معجزات، شمارهٔ نسخه: ۱۲۳۹/۵) در کتاب «شرح کشف‌المراد» در شرط چهارمی که برای معجزه بیان می‌کند، چنین گوید: «اظهار معجزه همراه با ادعای نبوت و پیامبری باشد. یعنی به دنبال ادعای نبوت چنین کاری از او صادر شود بنابراین کارهای شگفت‌آور صلحا و اولیاء الهی و ائمه(ع) معجزه نیست بلکه کرامت نام دارد.»(محمدی، ۱۳۷۸: ۳۶۴) بنابراین، بجا و بایسته بود از عنوان «معجزات» برای رساله استفاده نشود.

ب) اشکالی دیگری که در این قسمت به هزارجریبی وارد است آنکه ایشان امور خارق‌العاده را که در رابطهٔ با فقها و اصولیانی همچون علامه بحرالعلوم و محمّدباقر بهبهانی است، نقل کرده و مهر صحت بر آن‌ها می‌نهد یا سکوت کرده و آن‌ها را نقد نمی‌کند ولی دربارهٔ امور خارق‌العادهٔ منسوب به عرفا و متصوّفه که در «تذکرةالاولیاء» و «نفحات‌الانس» و کتاب‌های عرفانی دیگر ذکر شده، به‌شدت موضع‌گیری کرده و آن‌ها را رد و نقض می‌کند.(ر.ک: هزارجریبی، نسخه خطی منبّه‌المغرورین، شماره نسخه: ۳۲۱۴۹ـ۵)

۷- استناد به آراء متکلمان

اگر شخصی بدون پیش‌فرض و غرض، آثار مرحوم هزارجریبی را مطالعه کند به این مطلب که نگارندهٔ آن، به علوم عقلی و مباحث کلامی و فلسفی تسلط داشته و لااقل نسبت به این مطالب بیگانه نیست اعتراف خواهد کرد. همان‌گونه که پیشتر اشاره شد در برخی آثار و مکتوبات ایشان به فراخور حال، تبیین آراء فلاسفه و حکما و نیز استدلالات عقلی جهت رد آن ادله را مشاهده می‌کنیم. اما اینکه او را شخصیتی کم‌اطلاع نسبت به مباحث عقلی و ناآشنا نسبت به فلسفه و علوم عقلی بدانیم شاید به نوعی اجحاف در حق وی و بی‌انصافی باشد. گواه بر این مطلب، شاگردی او نزد حکیم بیدآبادی و حضور در حوزهٔ علمیهٔ قزوین که مشهور به علوم عقلی است، می‌باشد (امین، ۱۴۰۸ ق، ج۴: ۱۵۹).

مرحوم هزارجریبی به لحاظ فکری بر آراء آن دسته از متکلمانی که روشی متفاوت با فلاسفه و حکماء داشته‌اند معطوف بوده و در نقد آراء فلاسفه، کاملاً هم‌سو با ایشان بوده است؛ لذا در مقام نقد آراء این سه گروه به تنهایی وارد میدان مبارزه نمی‌شود بلکه در مواردی که احساس می‌کند که باید به همراه عِدّه و عُدّه وارد معرکه شود به نقل اقوال و آراء ایشان می‌پردازد. (هزارجریبی، ۱۳۹۸: ۳۳ـ۳۴) برای مثال در مورد وجود عقاید باطل در فلسفه به عبارت خواجه نصیرالدین طوسی در رسالهٔ «فصول» استناد می‌کند و یا عمده تمرکز او بر آراء فقهاء و متکلمین شیعه مانند قاضی نورالله شوشتری و سید محمدمهدی شهرستانی و آقا محمدعلی بهبهانی و سید بحرالعلوم و میرزای قمی است.(هزارجریبی، نسخه خطی منبه‌الجهّال علی وصف رئیس اهلِ‌الضلال، کتابخانهٔ ملی، شمارهٔ نسخه: ۵/۱۴۳۲۱)

۸- اعتماد بر نقل‌های تاریخی و مسموعات

مطالبی که مرحوم هزارجریبی در باب نقد شخصیت‌ها ارائه نموده است نشان‌دهندهٔ وسعت اطلاعات تاریخی و آشنایی با شرح حال بسیاری از این شخصیت‌هاست. وی از کتاب‌هایی که در این موضوعات و حتی موضوعات دیگری نگارش یافته‌اند استفاده کرده است. برخی از کتاب‌هایی که هزارجریبی از آن‌ها استفاده کرده است، عبارت‌اند از: الاقتصاد؛ الغیبهٔ شیخ الطائفه طوسی (م ۴۶۰ق)؛ تبصرهٔ العوام (تبصرهٔ العوام و معرفهٔ مقالات الانام) سیدمرتضی حسینی رازی (قرن ششم)؛[1] تاریخ حکماء الاسلام ظهیرالدین بیهقی (م ۵۶۵ق)؛ تذکره الاولیاء فریدالدین محمد عطار نیشابوری (م ۶۲۷ق)؛ رشف النصایح (رشف النصائح الایمانیهٔ و کشف الفضائح الیونانیهٔ) شیخ شهاب‌الدین عمر سهروردی (م ۶۳۲ق)؛ الصّراط المستقیم الی مُستحقی التقدیم علی‌بن‌یونس نباطی بیاضی (م ۸۷۷ق)؛ مجالس العشاق منسوب به سلطان حسین میرزا بایقرا تیموری گورکانی (م ۹۱۱ق)؛ [2] فواتح یا الفواتح السبعهٔ کمال‌الدین حسین میبدی (م ۹۱۱ق)؛ مجالس المؤمنین قاضی

---

۱. سیدصفی‌الدین ابوتراب مرتضی‌بن‌داعی حسینی رازی ملقب به علم‌الهدی رازی. البته برخی به متکلمان دیگری که تشابه اسمی با ایشان دارند نیز نسبت داده‌اند. (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳ ق، ج۳: ۳۱۸)

۲. برخی این کتاب را به کمال‌الدین حسین طبسی گازرگاهی نسبت داده‌اند. (همان، ج۱۹: ۳۶۲)

نورالله مرعشی شوشتری (شهید ۱۰۱۹ق)؛ میزان؛ روضۀالواعظین؛ احیاء علوم؛ منقذ؛ سرّالعالمین؛ شرح تجرید؛ اعتقادات محمّدبن‌بابویه قمی. (هزارجریبی، ۱۳۹۸: ۳۵ـ۳۶)

۹- استناد به ظاهر عبارات عرفاو شعرا و تأویل آیات و روایات

از مهم‌ترین ویژگی‌هایی که در رساله‌ها و کتاب‌های مرحوم هزارجریبی نمود دارد، پرهیز جدی او از تأویل و تفسیر عبارات و کلمات عرفا و صوفیان و شعرا از معنای ظاهریشان است. وی این‌گونه تأویلات را اساساً باطل دانسته و معتقد است که نویسندگان متون و سرایندگان اشعار کاملاً با توجه به همین معانی ظاهری خواسته‌اند مقصود و مراد باطنی خویش را ارائه دهند. کلماتی مانند شراب، مستی، غنا، معشوقه، شاهد، و ... به همان معانی مذموم و ناپسندی که در عرف امروز و آن روزگاران بوده باید حمل شوند نه اینکه کنایه از معارف و مقامات و حالات خوش عارفان و اهل دل و سالکان باشد. (هزارجریبی، ۱۳۹۸: ۳۷ـ۳۸)

هزارجریبی در رسالۀ «فواید لطیفه» در ردّ تأویل سخنان متصوفه و شاعران چنین گوید:

«بر ما واجب است که هر سخن از کسی ببینیم یا بشنویم که در ظاهر آن سخن خلاف حقّ باشد، باید که آن کس را برای آن سخن مؤاخذه کنیم. اگر دلالت می‌کند در ظاهر بر کفر گوینده باید که آن کس را کافر بدانیم برای حفظ شریعت، چنان‌که دأب علمای ما پیوسته چنین بود و چنین است در کتاب‌های... زیرا که اگر چنین نمی‌بود و قول‌های باطل مردم را تأویل می‌کردند دیگر باید کتاب حدود را شست و سخن ردۀ هیچ‌کس را کفر ندانست و ناموس شریعت برطرف خواهد شد.» (نسخۀ خطی رسالۀ فواید لطیفه، کتابخانۀ فیضیه، شمارۀ بازیابی: ۱۲۳۹/۶)

یکی از اشکالاتی که هزارجریبی به حکما کرده، آن است که حکما و فلاسفه از راه تأویل ضرر و زیان بسیاری به دین رساندند. بنابراین، تأویلات حکما براساس معیار و ضوابطی که هزارجریبی قبول داشته است، نبود:

«بدانکه این طایفۀ حکما خرابی بسیاری به دین حقّ رسانیده‌اند از راه تأویل.» (نسخۀ خطی منبّه‌المغرورین، کتابخانۀ ملی، ش: ۳۲۱۴۹ـ۵)

هزارجریبی روایات را تأویل می‌کند. تأویل روایت هزارجریبی با روایات دیگر است نه از جانب خودش؛ همانند مشیِ شیخ صدوق در کتاب «معانی‌الاخبار» یا مانند علامۀ طباطبایی در «تفسیر المیزان» که آیات قرآن را با آیات دیگر تفسیر و تأویل کرده است:

«از برای او طلب معلّم و استادی را که انس داشته باشد به کلام اهل‌بیت^ و اخبار ایشان و اعتقاد به آن‌ها داشته باشد نه آنکه اعتقاد به ظاهر آن اخبار نداشته باشد بلکه آن‌ها را تأویل نماید با رأی خود.» (نسخۀ خطی منبّه‌المغرورین، کتابخانۀ ملی، ش: ۳۲۱۴۹ـ۵.)

هزارجریبی رسالۀ مختصر و موجز «رافعۀالتوهم» را دربارۀ نفی غلو و نقد آن نگاشته است. مطالب رساله بر مدار حدیثی از حضرت علی (ع) است که دلالت بر غلو و اسناد خلق و روزی و میراندن به آن حضرت می‌کند. حضرت امیرالمؤمنین (ع) در این حدیث فرموده است که «من خلق می‌کنم و من روزی می‌دهم و من زنده می‌گردانم و من می‌میرانم».

در این رساله هزارجریبی به نقد و چالش کشیدن تفکر غالیان پرداخته است. وی روایت منسوب به حضرت علی(ع) را نادر، غیرمعتبر، و خبر واحدی دانسته که افادۀ علم و یقین نمی‌کند. سپس معتقدان به چنین روایاتی را کافر و مشرک خوانده و با روایتی از امام صادق(ع) دو تأویل از آن ارائه کرده است. مشی علمی هزارجریبی در رویارویی با حدیث غلو منسوب به علی(ع) تحسین‌برانگیز است. وی بعداز نقد روایت و بیان تضاد آن با اصل ضروری توحید و احکام آن، با سلیقۀ شخصی خویش روایت را تأویل نکرده است بلکه از روایاتی دیگر استفاده کرده است: (قنبریان، ۱۳۹۸: ۲۶۵ـ۲۶۶)

تأویل اول هزارجریبی از حدیث منسوب به حضرت علی(ع):

«از حضرت امام جعفرصادق(ع) معانی این الفاظ را سؤال کردند. حضرت فرمود که مراد آن حضرت آنست که خدا آنچه خلق می‌کند برای خاطر ما و سبب ما می‌کند و اگر ما نمی‌بودیم خدا هیچ‌چیز را خلق نمی‌کرد و معنی رازق آنست که حقّ تعالی خلق را به‌سبب ما و برکت ما، روزی می‌دهد و به‌سبب ما ایشان را زنده می‌دارد و به‌سبب ما ایشان را می‌میراند تا آنکه دوستان ما را به نعیم ابدی رساند و دشمنان ما را به عذاب الیم ابدی رساند.»

تأویل دوم هزارجریبی از حدیث منسوب به حضرت علی(ع):

«و معنی دیگر چنان‌که در احادیث وارد شده است آنست که دل دوستان ما را به‌سبب دوستی ما زنده و نورانی می‌گرداند و دل دشمنان ما را به‌سبب عداوت و دشمنی ما به کفر و نفاق می‌میراند و تیره و تاریک می‌گرداند نه آنکه این کارهای خدا را آن حضرت کرده باشد یا کند (نسخۀ خطی رافعۀ التوهم، قم، کتابخانۀ طبسی (امام رضاع)، شمارۀ بازیابی: ۳۰۷/۷).

بررسی و نقد:

هزارجریبی برخلاف گفتار عارفان و شاعران، در مکتوبات خویش متون دینی (آیات و روایات) را بارها تأویل کرده است. هزارجریبی آیات و روایاتی را که دلالت بر رؤیت خداوند کند، تأویل به ادراک به دیدۀ دل کرده است است یا آنچه که دلالت کند گناه از انبیاء سابق صادر شده است، همه مؤوّل است و ترک اولی است و مکروه است. (نسخۀ خطی اثبات‌الصانع و اصول دین، قم، کتابخانۀ مسجد اعظم، شمارۀ نسخه: ۴۱۴/۱) چطور وی به‌راحتی برخی از احادیث را که مشعِر به کفر یا شرک است، تأویل می‌کند اما وقتی به بیانِ آراء

عرفا، فلاسفه، و شاعران می‌پردازد، جمود بر ظاهرگرایی و اخذ بر ظاهر گفتار آنان داشته و کلام آنان را تأویل‌ناپذیر می‌داند؛ به‌ویژه در شعر.

۱۰- نقد مکاتب فکری و کلامی

۱,۱۰. مکاتب فکری

این مکاتب در ارتباط با هزارجریبی دو دسته هستند:

الف) مکاتب فکری معاصر با هزارجریبی:

سه مکتب فکری در روزگار هزارجریبی متولد شده و تا حدی شکل گرفته‌اند: وهابیت، شیخیه، و اخباری‌گری. جالب آنکه هزارجریبی در آثارش متعرض هیچ‌کدام از این سه مکتب نشده است فقط ظاهراً دو مرتبه به‌صورت گذرا و سریع نامی از اخباری‌گری برده است. جالب‌تر آنکه استادش وحید بهبهانی در خط مقدم نبرد فکری با اخباری‌گری است و کتابی در نقد آرا و اندیشه‌های آن‌ها نگاشته است اما صدایی از هزارجریبی بلند نشده است و تحلیل و نقدی نکرده است یا آنکه در کربلا علیه شیخیه و اخباری‌ها شورش‌ها و مبارزه‌هایی در زمان هزارجریبی به وقوع پیوست و برخی از بزرگان آن‌ها که ساکن کربلا بودند کشته شدند (میرزا محمد اخباری) یا از سرزمین کربلا (شیخ احمد احسایی) طرد شدند، اما این موارد سبب نشد تا هزارجریبی سکوت خود را بشکند و فریاد نه بلکه حرفی بزند.

نقد و بررسی

تنها دلیلی که برای سکوت هزارجریبی می‌توانم ادعا کنم آن است که هزارجریبی این سه مکتب معاصر با خویش را بی‌خطر یا کم‌خطر می‌دانست. البته همان‌طور که قبلاً گذشت مبانی فکری این سه مکتب در آثار هزارجریبی به‌صورت غیرصریح و غیرمستقیم نقد شده است.

ب) مکاتب فکری مقدم بر هزارجریبی:

در مکتوبات هزارجریبی به سه مکتب فکری توجه ویژه‌ای شده است: عرفان و تصوف؛ فلسفه؛ غلو. هزارجریبی در قلم‌فرسایی‌های کلامی خویش به‌مناسبت و در خلال مباحث به نقد سه فرقهٔ فوق پرداخته است. می‌توان غلو را در آثار هزارجریبی از دو جنبه بررسی کرد: غلوکنندگان به ائمهٔ معصومین^ و غلوکنندگان به رهبران تصوف و عرفان.

علاوهٔ بر مباحث پراکنده، هزارجریبی چهار اثر خویش را به نقد عرفان، تصوف، و فلسفه اختصاص داده است و سه اثرش را در تحلیل و نقد غالیان به رشتهٔ تحریر در آورده است. تمامی هفت اثر به زبان فارسی است.

۲,۱۰. مکاتب کلامی

هزارجریبی متکلمی است که نمایندهٔ مکتب کلامی شیعهٔ اثناعشری است. وی در مواضع متعدد، نحلهٔ معروف کلامی یعنی اشاعره و بسیار محدودتر برخی نحله‌های دیگر همچون معتزله و مرجئه را نقد می‌کند. مثلاً هزارجریبی در رسالهٔ «منبّه‌المغرورین» بعداز بیان برخی از معتقَدات مذهب اثناعشری دربارهٔ توحید همچون: حی و احد و عادل و حکیم و قادر علی‌الاطلاق بودن خدا، و جوهر و عرض و مکان‌مند و جهت‌دار نبودنش، گوید که گروه اشاعره در جمیع این‌ها مخالفت کرده است (نسخهٔ خطی منبّه‌المغرورین، کتابخانهٔ ملی، ش: ۳۲۱۴۹ـ۵).

از فروعات کلامی که هزارجریبی در آن، بسیار به اشاعره تاخته است، بحث بسیار جبر و اختیار است. اشاعره و معتزله در این مسئله، راه افراط و تفریط را پیموده و از حقیقت که حد وسط است دور افتاده‌اند. هزارجریبی افعال بندگان را فعل تقدیری خدا و فعل تکوینی بنده بیان کرده است. این نظریه، تفسیری است از جملهٔ معروف امام صادق ع: «امرٌ بین الامرین». وی اعتقاد اشعری (قائل به جبر هستند) و همچنین اعتقاد مفوِّضه را به‌خاطر توالی فاسدی که دارد، کفر دانسته است.

مسئلهٔ جبر و اختیار و اثبات مختار بودن انسان‌ها در افعالشان به‌قدری برای هزارجریبی ارزش داشته است که وی چندین مرتبه در آثار مختلفش تأکید کرده است که «خالق همه‌چیز غیر از افعال انسان‌ها خدا است» و برای این موضوع مستقلاً رساله «جبر و اختیار/ عدلیه» را نگاشته است. این رساله، در کلام و اعتقادات و به فارسی است و اطلاعات نسخه‌شناسی آن عبارت است از: جبر و اختیار (عدلیه)، قم، کتابخانهٔ طبسی (امام رضا ع)، شمارهٔ بازیابی:۶۰۰/۲، نسخ، ۱۲۲۴ق، ۱۹ برگ.

۱۱- نقد سندی و مدلولی روایات

هزارجریبی در رسالهٔ «فواید لطیفه» در نقد حدیثی که معنا و مدلول آن عقلایی نیست و تفسیری نادرست از «فطرت» ارائه کرده است، به نقد دلالی (مدلولی) و سندی روایت می‌پردازد. در نقد سندی روایت، به واحد بودن خبر مذکور استدلال کرده و خبر را از جهت صدور آن از معصوم(ع)مخدوش می‌کند. این نگرش هزارجریبی نسبت به خبر واحد، حاکی از روحیهٔ اخباری‌گری‌ستیزی وی است. و در نقد دلالی نیز، علاوهٔ بر آنکه معنای حدیث را مخالف حکم قطعی عقل دانسته است، روایت را مجمل معرفی کرده است.

به عنوان نمونه، وی تصریح می کند «بدانکه بعضی از جُهّال گمان کردند هرکه در عالم است، اصل آن است که آن کس مسلمان باشد برای آن حدیثی که وارد شده است که «کل مولود یولد بالفطرهٔ انّما ابواه

یهودانه و ینصّرانه و یمجّسانه[1].»(ابن ابی‌جمهور، ۱۳۶۲، ج۱: ۳۵) و این گمانِ جاهلان، غلط است به چندین سبب: اوّل آنکه این‌ها اخبار آحاد است و اخبار آحاد مفید علم و عمل نیست و دوّم آنکه این حدیث معارض با عقل است و درایت مفید قطع است و روایت مفید ظنّ است و ظنّ معادل قطع نیست.(ر.ک: هزارجریبی، فواید لطیفه، کتابخانهٔ فیضیه، شماره نسخه: ۱۲۳۹/۶)

۱۲- ادبیات دشنام و ناسزا

هزارجریبی در نقد عرفا و متصوفه گاهی عنان از دست داده و به آن‌ها ناسزا و دشنام داده و لعن و نفرین می‌کند. این‌گونه منش و روش در مسائل علمی زیبنده نیست. نمونه‌هایی از رسالهٔ «منبه المغرورین»: «عطّار حمار پسر حمار در کرامت بُشر نقل کرده است که تا بُشر در حیات بود، اسبان بغداد فضله نینداختند.»(همو، نسخه خطی منبّه‌المغرورین، کتابخانهٔ ملی، شماره نسخه: ۳۲۱۴۹ـ۵) و یا «و آن خبیث در کتاب فتوحات گفته است که تمام خلق اعراض‌اند. در هر لحظه تمام مخلوقات معدوم می‌شوند و موجود می‌گردند در همان لحظه بی‌فاصله. این سخن او خلاف عقل و نقل و ضرورت دین است و بطلان آن بر هر جاهل ظاهر است.» (همان)

بررسی و نقد؛ ناقد هرچقدر هم که از سخن غیرعاقلانه و دین‌برکن دیگران ناراحت و خشمگین شود، شایسته است که صبر را از دست ندهد. ناسزاگویی نه‌تنها اینکه ثمره‌ای ندارد بلکه ممکن است ناظران و خوانندگان را نسبت به فحاش بدبین کرده و دیگر به سخنان و براهین و استدلالاتش اعتبار نکنند.

شش. نتیجه گیری

درباره کیفیّت استدلال و استشهاد مرحوم هزارجریبی بر گزاره‌های دینی و چگونگی پاسخ به شبهات، دو بخش ویژگی ها و روش شناسی مورد بررسی قرار گرفته و به نتائج زیر دست می یابیم:

ملامحمدکاظم هزارجریبی در بسیاری از آثارش به نقش مهم خود به عنوان عالم دینی جامه عمل پوشانده و به استدلال و استشهاد بر گزاره های دینی پرداخته و در حد توان از آموزه های دینی دفاع نمود.

---

۱. ترجمه: هر طفلی متولّد می‌شود به فطرت و اسلام. به‌درستی‌که پدران و مادران ایشان، ایشان را یهودی و نصرانی و مجوسی می‌کنند.

از ویژگی های مهم وی در استدلال و استشهاد بر گزاره های دینی، عشق و ارادت به ائمهٔ معصومین(ع) بود که در کنار قرآن کریم به آن توجه می نمود. ویژگی دیگر، توجه به هجمه‌های مخالفان و معاندان بود که تلاش نمود با مطالعات پُردامنه و با نگارش آسان و روان دینداری مردم زمانش را تقویت نماید.

مرحوم هزارجریبی از روش های مختلفی برا ی اثبات و دفاع از گزاره های دینی استفاده می کرد. گاهی به روش تالیف کتاب رو می آورد که پاسخ محکمی بر معاندان و شبهه افکنان باشد. روش حلی و نقضی در بخش های مختلفی از آثارش مشاهده می شود و برهان سازی های مختلفی انجام می دهد. نیز، استناد به برخی روایات مرتبط، استناد به ادعیه و زیارات، استناد به آراء مجتهدان، اعتماد بر نقل‌های تاریخی و مسموعات در روش وی مشهود است. وی در بررسی دیدگاه های مخالفان به ظاهر عبارات اکتفا می نمود و به نقد مکاتب فکری و کلامی می پرداخت که گاهی به نقد سندی و مدلولی روایات مدعا شده می پرداخت.

متاسفانه در کنار مزایای روشی مرحوم هزارجریبی در اثبات و دفاع از گزاره های دینی، برخی نقدها نیز به این روش وارد است؛ به عنوان نمونه، تخطئه برخی فیلسوفان و عرفا و گاهی استفاده از ادبیات دشنام و ناسزا را می توان از آن موارد به حساب آورد.

فهرست منابع:

۱. قرآن کریم.

کتاب‌ها و مقالات

۲. آقابزرگ تهرانی، محمدمحسن، (۱۴۰۳ق)، الذریعه الی تصانیف الشیعه، بیروت، نشر دارالاضواء، چ سوم.

۳. ابن ابی جمهور، محمدبن زین الدین(۱۳۶۲،)عوالی اللئالی العزیزیهٔ فی الأحادیث الدینیهٔ، تحقیق مجتبی عراقی، قم، سیدالشهداء.

۴. اسحاقی، سیدحسین(۱۳۹۰)، دعا ارمغان آرامش، مشهد، انتشارات خادم‌الرضا.

۵. امین، سیدحسن، (۱۴۰۸ق)، مستدرکات اعیان الشیعه، بیروت: نشر دار التعارف للمطبوعات.

۶. بابایی، رضا، (۱۳۹۴)، بهتر بنویسیم: درس‌نامهٔ درست‌نویسی ساده‌نویسی و زیبانویسی، قم، نشر ادیان (وابسته به دانشگاه ادیان و مذاهب)، چ سوم.

۷. جوادی آملی، عبداللّه(۱۳۸۱)، ادب فنای مقربان، قم، نشر اسراء.

۸. جهان‌بخش، جویا، (۱۳۹۱)، مزدک‌نامه۵: یادبود پنجمین سالگرد درگذشت مهندس مزدک کیان فر، «ملا محمدکاظم هزارجریبی و دو رسالهٔ غلوستیزانه‌اش»، به‌کوشش: پروین استخری و جمشید کیان‌فر، تهران، انتشارات پروین استخری، چ اوّل، ص۵۱- ۱۱۰.

۹. سبحانی تبریزی، جعفر (۱۴۲۴ق الف)، ادوار الفقه الامامی، قم: نشر مؤسسه امام صادق(ع).

۱۰. ----------، (۱۴۲۴ق ب)، معجم طبقات المتکلمین، قم: نشر مؤسسهٔ الإمام الصادق(ع).

۱۱. ----------، (۱۴۱۸ق)، موسوعهٔ طبقات الفقهاء، قم: نشر مؤسسهٔ الإمام الصادق(ع).

۱۲. ----------، (۱۳۹۶)، آموزش آسان اصول‌فقه: ترجمه و تلخیص کتاب الموجز به‌صورتِ پرسش و پاسخ، مترجم و محشی: علی قنبریان، مقدمه: آرمان نادری کمشوری، تهران، انتشارات میراث فرهیختگان با همکاری و نظارت مؤسسهٔ فرهنگی هنری نوین‌پژوهش فیاض، چ اول.

۱۳. صفری، علی‌اکبر(۱۳۹۳)، جشن‌نامهٔ آیت‌اللّه رضا استادی، «فهرست خودنوشت ملا محمدکاظم هزارجریبی»، به کوشش: رسول جعفریان، قم، نشر مورّخ با همکاری کتابخانه تخصّصی تاریخ اسلام و ایران، چ اوّل، ص۹۰۷-۹۱۹.

۱۴. صلح‌جو، علی(۱۳۹۴)، نکته‌های ویرایش، تهران، نشر مرکز، چ پنجم.

۱۵. طوسی، محمدبن‌الحسن(۱۴۱۱ق)، مصباح المتهجّد و سلاح المتعبّد، بیروت، ناشر: مؤسسهٔ فقه الشیعهٔ، چ اول.

۱۶. قنبریان، علی، رساله دکتری: تصحیح نسخه‌های کلامی هزارجریبی و تبیین آراء کلامی ایشان، استاد راهنما: سیدمجتبی میردامادی و سیدجواد نعمتی، سال دفاع: ۱۳۹۸، رشتهٔ مدرّسی معارف اسلامی: گرایش مبانی نظری اسلام، دانشکدهٔ معارف و اندیشهٔ اسلامی دانشگاه تهران.

۱۷. محمدی، علی(۱۳۷۸)، شرح کشف‌المراد، قم، ناشر: دارالفکر، چ چهارم.

۱۸. محمدی، محمدعلی، شیوهٔ پاسخ‌گویی به پرسش‌های دینی۶: اصول پاسخ‌دهی، ماهنامهٔ اطلاع‌رسانی آموزشی پژوهشی مبلغان، مهر ۱۳۸۸، شمارهٔ ۱۲۱، ص۴۵ـ۵۶.

۱۹. مصباح یزدی، محمدتقی(۱۳۷۷)، آموزش عقائد، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی.

۲۰. المظفّر، محمّدرضا(۱۳۸۸ق)، المنطق، النجف الاشرف، مطبعهٔ النعمان، الطبعهٔ الثالثهٔ.

۲۱. میردامادی، سیدمجتبی و قنبریان، علی، بررسی و تبیین آثار محمدکاظم هزارجریبی، مجلهٔ میراث شهاب: نشریهٔ کتابخانهٔ بزرگ حضرت آیت‌اللّه العظمی مرعشی نجفی، سال بیست و یکم، شمارهٔ سوم و چهارم، شمارهٔ پیاپی ۸۱-۸۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، صص ۹۷-۱۵۸.

۲۲. نهاوندی، علی‌اکبر(۱۳۸۶)، العبقری الحسان، محقق و مصحِّح: حسین احمدی قمی و صادق برزگر، قم، نشر مسجد مقدس جمکران، چ اول.

۲۳. هاشم‌نژاد، حسین(۱۳۹۸)، فلسفهٔ هنر به بیان ساده، تهران، انتشارات میراث فرهیختگان: همکاری و نظارت در چاپ و نشر: مؤسسهٔ فرهنگی هنری نوین‌پژوهش فیاض، چ اول.

۲۴. هزارجریبی، محمدکاظم(۱۳۹۵)، مجموعه آثار محمّدکاظم هزارجریبی: کاشف‌العدل اقناعیّه برهانیّه، مصحح و محشی: علی قنبریان و علی کریمی، تهران، نشر صبا، چ اول.

۲۵. ----------، (۱۳۹۶)، فواید و برکات اسلام و ایمان: تصحیح رسالهٔ دعائم‌الاسلام، تصحیح و تعلیقات: علی قنبریان، مقدمه: وحید حاتمی شندی، تهران، نشر میراث فرهیختگان، چ اول.

۲۶. ----------، ۱۳۹۸ش، سنجش و نقد فلسفه و عرفان: تصحیح رسالهٔ منبه‌المغرورین، مصحح و محشی: علی قنبریان، مقدمه: علیرضا لیاقتی، سفارش‌دهنده: مؤسسهٔ فرهنگی هنری نوین‌پژوهش فیاض، تهران، نشر میراث فرهیختگان، چ اول.

۲۷. ----------، (۱۳۹۷) الف، زیارت معصومین(ع): تصحیح رسالهٔ تاریخیه، تصحیح و تعلیقات: علی قنبریان، تهران، نشر میراث فرهیختگان با همکاری و نظارت: مؤسسهٔ فرهنگی هنری «نوین پژوهش فیّاض»، چ اول.

۲۸. ----------، (۱۳۹۷) ب، کرامت‌های حضرت علی(ع): تصحیح رسالهٔ معجزات، تصحیح و تعلیقات: علی قنبریان، تهران، نشر میراث فرهیختگان با همکاری و نظارت: مؤسسهٔ فرهنگی هنری «نوین‌پژوهش فیّاض»، چ اول.

۲۹. ----------، (۱۳۹۷) ج، مناظرهٔ علامهٔ بحرالعلوم با یهودیان ذوالکفل: تصحیح رسالهٔ جدلیه، مصحح و محشی: علی قنبریان، مقدمه: علیرضا لیاقتی، تهران: نشر میراث فرهیختگان، به سفارش: مؤسسهٔ فرهنگی هنری نوین‌پژوهش فیاض.

نسخه‌های خطی

۳۰. هزارجریبی، محمدکاظم، اثبات‌الصانع و اصول دین، قم، کتابخانهٔ مسجد اعظم، شمارهٔ نسخه: ۴۱۴/۱.

۳۱. ----------، البراهین الجلیّهٔ فی تفضیل آل محمد علی جمیع البریّهٔ، تهران، کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی، شمارهٔ نسخه ۴۵۲۷/۵.

۳۲. ----------، برهانیّهٔ بزرگ/ البرهان الجلیهٔ فی اثبات حقیهٔ الاثنی عشریهٔ، قم، کتابخانهٔ طبسی (امام رضا(ع))، شمارهٔ بازیابی: ۳۰۷/۱۰.

۳۳. ----------، برهانیّهٔ بزرگ/ البرهان الجلیهٔ فی اثبات حقیهٔ الاثنی عشریهٔ، قم، کتابخانهٔ مرعشی نجفی، شمارهٔ بازیابی: ۷۲۸۰.

۳۴. ----------، برهانیّهٔ کوچک(البراهین الجلیّهٔ فی تفضیل آل محمد علی جمیع البریّهٔ/ افضلیت ائمه از انبیا/ تفضیل الائمهٔ علی غیر جدّهم من الانبیاء)، تهران، کتابخانهٔ مروی، شمارهٔ نسخه: ۹۵۲.

۳۵. ----------، جدلیه، تهران، کتابخانهٔ ملّی، شمارهٔ نسخه: ۱۴۶۲۸ـ۵.

۳۶. ----------، عدلیه (جبر و اختیار)، تهران، کتابخانهٔ مجلس، شمارهٔ ۴۵۲۷/۲.

۳۷. ----------، عدلیه (جبر و اختیار)، قم، کتابخانهٔ مرعشی نجفی، شمارهٔ ۴۳۷۰/۷.

۳۸. ----------، عدلیه (جبر و اختیار)، قم، کتابخانهٔ طبسی (امام رضا ع)، شمارهٔ بازیابی:۶۰۰/۲، نسخ، ۱۲۲۴ق، ۱۹ برگ.

۳۹. ----------، فواید لطیفه، قم، کتابخانهٔ فیضیه، شماره: ۱۲۳۹/۶.

۴۰. ----------، کاشف‌العدل، تهران، کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی، شمارهٔ نسخه ۴۵۲۷/۳.

۴۱. ----------، کاشف العدل، قم، کتابخانهٔ طبسی: شمارهٔ : ۶۰۰/۹.

۴۲. ----------، کاشف الغُلُوّ و هادی أهل العُلُوّ، قم، کتابخانهٔ طبسی، شمارهٔ بازیابی: ۶۰/۱۳.

۴۳. ----------، کنزالفواید، قم، کتابخانهٔ فیضیه، شمارهٔ بازیابی: ۱۰۰۶، میرکریم، نسخ، ۱۲۹۹ق، ۲۱۲ برگ.

۴۴. ----------، معجزات، قم، کتابخانهٔ فیضیه، شمارهٔ نسخه: ۱۲۳۹/۵.

۴۵. ----------، منبه‌الجهّال علی وصف رئیس اهلِ‌الضلال، تهران، کتابخانهٔ ملی، شمارهٔ نسخه: ۵/۱۴۳۲۱.

۴۶. ----------، منبّه‌المغرورین، تهران، کتابخانهٔ ملّی، شمارهٔ نسخهٔ خطی: ۳۲۱۴۹ـ۵.

۴۷. ----------، فهرست کتب، قم، کتابخانهٔ طبسی (امام رضا ع)، شمارهٔ بازیابی: ۶۰۰/۱۵.

۴۸. ----------، رافعهٔ التوهم، قم، کتابخانهٔ طبسی (امام رضاع)، شمارهٔ بازیابی: ۳۰۷/۷